



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۱/۱۲



رحیم شنسب

کودکان قربانی بزرگ تاریخ معاصر افغانستان



جنگهای چهل ساله مصیبت بزرگ و سبب تخریب نهادهای مادی و معنوی کشور بوده پیامد های آن تا صد سال دیگر تداوم خواهد داشت، غنای واقعی کشور ها قوه بشری آنست و همین قوه انسانی توانا و رسالتمند تاریخ ساز، و عامل قدرت، قوت، ثروت و ترقی است.

با تأسف که شرایط امروز کشور از داشتن نسل فردای رسالتمند و سالم ما را بی نصیب میکند وضعیت امروزی کودکان و نوجوانان در افغانستان قابل تشویش بود و است، باید یادآور شد که بالاخره قدم مثبتی در عرصه حفاظت از حقوق و حمایه کودکان تسوید، و انفاذ قانون مربوط قدمی برداشته شد و این قانون قبلاً به فرمان تقنینی مرعی الاجراء شد و برای تائید به پارلمان ارجاع گردیده بود، متأسفانه پارلمان یا همان ولسی جرگه مدت ها از بحث و انفاذ این قانون طرفه رفت زیرا به مذاق و سلیقه بنیاد گرایان و عقبگرایان برابر نبود، این قانون با فرمان تقنینی ریاست جمهوری نافذ شد، از آنجایی که بر طبق موازین قانون اساسی تائید پارلمان را متقاضی بود پارلمان بعد از غور و بحث های زیاد علی الرغم مقاومت عقبگرایان، توانست قانون را در جلسه ۳۰ قوس تائید کند اما این مقاومت ها کار خود را کرد و قانون نافذ شده دوباره توسط پارلمان باطل شد.

این خلاصه ماجراء از رویداد انفاذ و ابطال این قانون بود که از طریق اخبار مطلع شده ام.

ترقی های عالم رو به بالاست

ما از بالا به پائین می ترقیم

جهان، عربستان سعودی را کشوری با قوانین و کلچر عقبگرا و محافظ کار می شناخت، درین کشور سالانه پنج هزار ازدواج دختران زیر سن صورت می گیرد. در عربستان سعودی، پس از جنجالی که ازدواج دختر هشت ساله با مردی ۶۰ ساله در این کشور به وجود آمد قصد کردند تا قانون ازدواج خردسالان را تغییر دهند.

قوانین سعودی اخیراً سن ازدواج و رسیدن به سن رشد را ۱۸ سال تثبیت کرد.

حالا ببینید و از افغانستان بشنوید که با وصف انفاذ قانون نو که سن رشد و سن ازدواج را برای دختران ۱۸ سال تعیین کرده است ولی جمعیتی از عقبگرایان خلاف اقتضات عصر و زمان و نظر داشت روحیه حقوق بشری و دلسوزی به حق اولاد وطن و اولاد خود مخالف تعیین سن معینه برای حدود سن رشد، ازدواج و پذیرش مسئولیت های مدنی و جنائی اند و به گفته یکی از ملاحای دیپلومدار که چندی بیش فتوا داده بود و نکاح دختر چهار ساله را هم شرعاً جائز شمرد.

کشته و زخمی شدن هزاران طفل کشور در جنگ های تروریست های وحشی، و در نتیجه فعالیت های نظامی، اشتغال هزاران طفل به کار های شاقه، دور بودن میلیونی اطفال از موهبت درس و تعلیم، استخدام خوردسالان در صفوف جنگندگان، گروگان گیری و اختطاف اطفال، تجاوز جنسی بالای اطفال حتی در مساجد و مدارس دینی وحشت آورترین اخباره رویداد های قرن بیست و یک است.

به گزارش خبرگزاری رویداد روز، بر بنیاد احصائیه هایی که در گزارش تازه سازمان ملل ارائه شده نزدیک به ۳۵۰۰ کودک کشته و بیشتر از ۱۹۰۰۰ تن در این سه سال اخیر زخمی شده اند. کودکان نزدیک به ۳۰ فیصد کل تلفات غیر نظامی در این کشور را تشکیل می دهند.

گزارش اسپوتنیک به نقل از تلویزیون یک، صندوق جهانی حمایت از کودکان (یونیسف) گزارش داده است که کم از کم ۸۷۰ هزار کودک زیر پنج سال در نتیجه بحران از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ در ده کشور بحرانی جهانی به شمول افغانستان، کشته شده اند. این شمار بیشتر از ۱۷۵ هزار تلفات نظامی در زمان مشابه است.

طالبان وحشی ضد فرهنگ و انسانیت اخیراً (۳۰) مکتب دخترانه را تنها در ولایت سرپل مسدود کردند. (و این يك نمونه كوچك از تخریبات، حریق و انسداد هزاران مکتب درین سال ها در افغانستان است.)

در هجده سال گذشته، میلیاردها دالر به نام بازسازی و کمک به توسعه افغانستان، توسط دولت و نهادهای خارجی به مصرف رسید. نتیجه آن سرمایه دار شدن کسانی شد که عامل عقب ماندگی و تداوم جنگ استند. کسانی که به عنوان رهبران سیاسی و قومی نقش بازی می کنند و یا کسانی که در ارگ نشسته اند و با سیاست نادرست حکومت می کنند.

مخالفت عناصر ارتجاعی بار اول نیست که اکنون در مقابل يك قانون ضروری، انسانی و حیاتی برای حفظ و حمایت حقوق کودکان کشور جبهه می گیرند در لویه جرگه سال ۱۹۲۴ پغمان که غرض بحث و تصویب قانون اساسی دایر گردید مخالفت های نور المشایخ مجددی فضای لویه جرگه را مغشوش ساخت و با قوانین ممانعت ازدواج اطفال مخالفت سخت کرد و قوانین مذکور تصویب شده نتوانست، درین صد سال جهان بکجا رسید و ما بیشتر و بیشتر به عقب روانیم.

مطابق به احصایه های ملل متحد در طول یک دهه گذشته هر روز ۴۵ مورد تجاوز به حقوق کودکان رخ داده است. از آنجمله ۹ طفل روزانه در کشور کشته یا زخمی می شوند. گزارش یونیسف می افزاید که حتی همین رقم هم شاید تنها نوک کوه یخ باشد، چرا که گمان می رود هزاران مورد از حملات بر علیه کودکان در بی خبری انجام شده باشد. احصائیه ها نشان میدهد که در حدود ۶/۹ میلیون کودک آواره جنگی در سراسر اروپا و آسیا زمستان را در پناهگاه های مؤقت سپری خواهند کرد.

در مورد اطفال گرسنه، جنگ زده، بی سرپناه، تحت تجاوز جنسی، کار شاقه، محروم درس و تعلیم، اسیر ازدواج اجباری، معروض در خطر جنگ ها و غیره مربوط به کشور ما افغانستان بهترست هیچ پرسید. يك مسؤول اداره کار و امور اجتماعی در کابل می گوید: (۴۴) فیصد کودکان به مکتب دسترسی ندارند. ارقامی که ما داریم شش میلیون کودک، سخت در معرض خطر وجود دارد که وضع سه میلیون آن خیلی نگران کننده است و در یک وضعیت اضطرار قرار دارند."

از کودکان دارای معلولیت جسمی و ذهنی در کشور از کدام آمار و چه نوع تدابیر حمایتی برای تان صحبت کنیم؟ عناصر پس رو در مقابل تصویب قانون جدید قد علم کرده اند در حالیکه در طرح قانون حمایت از کودکان، برای نخستین بار برای عاملان بچه بازی مجازات در نظر گرفته شده است.

قانون مذکور سال گذشته به فرمان تقنینی توشیح و نافذ شده بود اعضای مجلس ولسی چرگه در ۱۸ قوس این قانون را تصویب کردند؛ اما در مجلس عمومی آنها ۳۰ قوس دوباره بی اعتبار اعلام شد.

از آخرین خبر مبنی بر تجاوز معلمین مدرسه دینی در بادغیس بالای دخترک ۸ ساله خبر شدید؟ ازین تجاوزات جنسی در مکاتب، در مدرسه ها و مسجد ها برای تان صد ها خبر و احصائیه را می توان به ارقام و ثبوت ارائه کنم

(آخرین اخبار از کودکان مدرسه ها و مکتب ها در ولایت لوگر حکایات تلخ دارد)

مطالب پیرامون ظلم، تجاوز جنسی، سوء استفاده، محرومیت حقوق تعلیم، کار اجباری، ازدواج اجباری بالای اطفال استفاده از اطفال در جنگ ها و غیره مصیبت ها که کودکان یا نسل آینده بشریت و کشور افغانستان به این فاجعه معروض است هر چند بنویسیم و بگویم مطالب بدسترس است، احصائیه ها موجود است، درد هاهم فراوان، که کتابی اندرین غمنامه و درد اجتماعی جانسوز می توان رقم زد.

و هدف من از مخالفت عناصری بی درد و مغز تهی و کهنه نگر کشور است که در مقابل يك قانون خوب و ضروری که منظور حمایه حقوق کودک در کشور است سد واقع می شوند.

حاجتی نیست به پرسش که چه نام است این جا

جهل را مسند و بر فقر، مقام است این جا

علم و فضل و هنر و سعی و تفکر، ممنوع!

آن چه در شرع، حلال است، حرام است این جا

دیگران را به فلک، سبقت و دانش به دوام

رفتن ما به عقب هم به دوام است این جا

"بلخیا"! نکبت و ادبار ز سستی پیداست

چاره این همه، یک بار قیام است این جا

با ید گفت که از مصائب چهل ساله بیشتر از آن دامنگیر اطفال معصوم کشور است، نتیجه جنگ ها، گرسنگی، بی سرپرستی، بی سوادى و فقدان شرایط تعلیم، مواجهه با انفلاق و انفجار و کشتار روزمره، خشونت های خانوادگی و محیطی، محیط مملو از جرم، فساد و انحرافات مختلف و اعتیاد، نبودن روزنه امید فردا، همه اطفال را روحاً و جسماً مریض، پر عقده، نادان و جاهل، متعصب، بی بند و بار، خشن و نا امید بار آورده که نتیجتاً از نسل های آینده کشور برای زندگی عادى نورمال هیچ امیدی متصور نیست

آینده با چنین نسل های امروزی، بسیار تاریک معلوم می شود.

دولت افغانستان مکلف بود و است تا طبق احکام مواد ۷ و ۵۴ قانون اساسی به طرح و تنفیذ قانون حمایت اطفال اقدام کند که شامل وضع صحی، اشتراك در حیات اجتماعی، مصوونیت ها، بهبود زندگی، جلوگیری از آزار و اذیت، حفاظت از حقوق طفل، جلوگیری از ازدواج جبری و زیر سن بودن شان، اقدامات قانونی و قضائی در امر انحرافات شان و شرایط زندگی امن باشد که درین قانون همه در ۱۰۶ ماده تنظیم شده است. من به نوشته بالا به آن تماس نگرفتم، ولی عقب گرایان سد راه انفاذ قانون اند که این اقدام شان مخالفت با زندگی انسانی، ضرورت های قرن ۲۱ است که نتیجتاً ظلم، اجحاف و دشمنی با نسل فردای کشور است و باز هم به جزئیات این مطلب نمی پردازم که بحث بزرگیست و فقط نظر مرحوم دکتور شحرور را اینجا نقل می کنم که چند روز قبل در کشور سوریه وفات یافت :

(از نظر شحرور گر چه متن قرآن ثابت است اما تفسیر آن به هیچ عنوان نمی تواند ثابت باشد زیرا اگر قرآن «جاودانه» است پس پیام «جاودانه» قرآن را در هر عصری باید متناسب با بایسته های آن عصر فهمید. از نظر شحرور خطای عظیم مسلمانان آن است که برای فهم قرآن به تفسیر گذشتگان تکیه می کنند به جای آنکه در هر عصری بر اساس بایسته های آن عصر دست به تفسیر دوباره قرآن بزنند. یک دلیل برای بازخوانی عصری قرآن آن است که پیشینیان، قرآن را لاجرم بر اساس پیش زمینه فکری عصر خود می فهمیدند که در مقایسه با پیش زمینه فکری جهان مدرن محدودتر و یا دست کم متفاوت بوده است.)

من نمی خواهم در اینجا پیرامون قانون متنازع الفیهی بالا و یا استدلال عقب گرایان به تفصیل داخل بحث شوم، ولی امیدوارم تا اصلی ترین، مهمترین مسئله که حراست، حفاظت و حمایت حقوق کودکان و نسل آینده و امید کشور اند نباید قربانی جهل و تعصب شود.

جای خوشیست که عده ای از هموطنان با درد و آگاه در مورد این معضله صدا بلند کرده اند و حتی فراخوان نام نویسی امضای پیشنهادی را نشر سانیده اند تا باشد که چند عنصری که خود را تکیه دار شرعیت می دانند ولی از همین دین و شرعیت خود کوچکترین علمیت و فهم لازم ندارند مانع رفع معضله این مسئله حیاتی نسل های آینده کشور نشوند.

نوشته ای از محترم بشیر انصاری اندرین زمینه چنین است :

دفاع از حقوق بشر به صورت عام و از حقوق کودک به صورت خاص یک وجبیه دینی و اخلاقی است. در مورد تعیین سن دقیق کودک و نیز زمان پایان دوره کودکی در نصوص معتبر دینی یعنی قرآن مجید و احادیث قطعی الثبوت و قطعی الدلاله نبوی حکم صریحی وجود ندارد، و به همین علت این موضوع در میان فقهای بزرگ اسلام محل اختلاف واقع شده است و از سن ۹ سالگی تا سن ۱۹ سالگی طرفدارانی داشته است.

مشهورترین چهره فقهی برجسته تاریخ اسلام حضرت امام اعظم ابوحنیفه، از پرچمداران بزرگ عقلانیت دینی، از جمله کسانی است که سن ۱۸ و یا ۱۹ را سن تکمیل کودکی و ورود به بزرگسالی دانسته اند. شمس الائمہ سرخسی می گوید:

"و أما بلوغهما بالسن فقدر أبوحنيفة رحمه الله تعالى في الجارية بسبع عشرة سنة وفي الغلام بتسع عشرة سنة وفيكتاب الوكالة ذكر في الغلام ثمان عشرة سنة.." (المبسوط، ج ۶، ص ۵۳، چاپ دارالمعرفه، بيروت)

ترجمه: اما در رابطه به بلوغ دختر و پسر بر مبنای سن، ابوحنیفه در قسمت دختر آنرا ۱۷ سال و در قسمت پسر ۱۹ سال تخمین نموده است، و در کتاب (وکاله) در قسمت پسر ۱۸ سال ذکر گردیده است."

در این دیدگاه تنها به ظاهر برخی روایات اکتفا نشده و نیز برخی تغییرات عضوی و فیزیولوژیک مبنای تکمیل دوره کودکی دانسته نشده است، بلکه پختگی متکامل و همه جانبه شخصیت انسان در ابعاد جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و تعلیمی معیار قرار گرفته است. این دیدگاه با یافته های علوم معتبر امروزی مانند روان شناسی، جامعه شناسی، بیولوژی، فیزیولوژی، و نورولوژی، و همچنان یافته های علوم تربیتی و فلسفه اخلاق همخوانی دارد. از همین روست که کنوانسیون های بین المللی، به صرف نظر از تفاوت فرهنگ ها و مذاهب در این باب، سن ۱۸ را مرز کودکی و بزرگسالی تعیین کرده اند.

اغلب کشورهای جهان و بسیاری از کشور های اسلامی این دیدگاه را با مصلحت کودکان سازگار یافته و برای سلامت اخلاقی و عاطفی آنان مناسب دیده اند و آن را به مثابه رویکردی جهان شمول مورد تأیید قرار داده اند.

از طریق تعیین سن ۱۸ به عنوان سن تکمیل کودکی، بخشی از نا بسامانی های تربیتی و اجتماعی کاهش یافته و باعث می شود از ظلم و اجحاف در حق آنان جلوگیری شود، تا جامعه شاهد انبوه کودکان کار، کودکان جنگ و کودکان آسیب دیده اخلاقی و اجتماعی نباشد. قانونی ساختن این امر کمک می کند که فرهنگ تفکیک میان کودکان و بزرگ سالان تصبیبت شود و این امر در سطح مکاتب و مدارس، و نیز در سطح محیط اجتماعی استوار گردد. از آن طریق به کودکان فرصت داده خواهد شد تا کودکی را چنانکه حق شان است تجربه کرده، و نیازهای عاطفی و روحی این دوره از عمر شان برآورده گردد، و همزمان از ازدواج های نخواستہ و زود هنگام جلوگیری شده و همچنان از ورود زود هنگام آنان به بازار کار و سوء استفاده از توانایی های بدنی آنان از سوء استفاده جویان جلوگیری خواهد شد.

بخش وسیعی از تحصیل کردگان و متخصصان رشته های مختلف علمی خطرات این موضوع را درک کرده و معتقدند که با جلوگیری از ظلم بر کودکان و تامین حقوق آنان یک فریضه شرعی تحقق یافته و یکی از مقاصد شریعت اسلامی که دفع ظلم و اجحاف در حق اقشار آسیب پذیر جامعه است به انجام خواهد رسید. از این طریق نشان خواهیم داد که جامعه ما ساز ناهمآهنگی در هارمونی جهانی حقوق بشر نخواهد بود. رحیم شنسب

جنوری ۵، ۲۰۲۰
